

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عظمتها

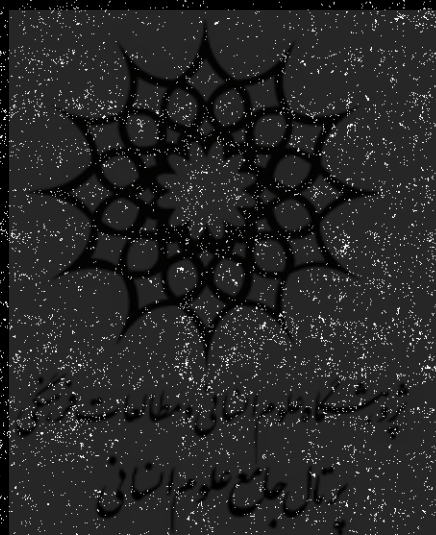
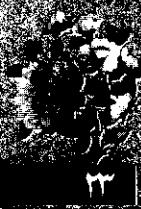
امام شناسی

فاطمه زهرا

سید

عظیم

عظیم



۱. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۳۶۲ ح ۳۹. ر. ک: کمال الدین و تمام النعمان، شیخ صدوق، قم مؤسسه الاسلامی، ص ۱۹. کفایه الاثر، علی بن محمد خرازی قمی رازی، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق، ص ۲۹۲.

۱. بقره / ۱۶۴: ﴿أَمْ جَاءَكُمُ الْإِيمَانُ إِيمَانًا﴾  
 ثور را امام و پیشوای مردم فرار دادم.  
 ۲. مائده / ۶۷: ﴿بَلَّغْ مَا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ مِنَ الرِّبَا وَ  
 أَنْ كُمْ تَفْعَلُوا فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾  
 ۳. همنان / ۵: ﴿الَّذِينَ أَحْمَلتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾



و امام زمان خویش را شناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.»

و در بیان دیگر به عنوان ذکر مصداق فرمود: *«مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فَمِنْ زَمَانٍ غَيْبِيهِ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ»*<sup>۱</sup> هر کس قائم از اولاد من را در دوران غیبتش انکار کند، به مرگ جاهلیت مرده است.»

#### ۲. امام حسن (ع)

از آن حضرت فقط در یک مورد شبیه همان چیزی که از پیامبر

اکرم (ص) نقل شده، روایت شده است.

#### ۳. امام حسین (ع)

وقتی از حضرت حسین بن علی (ع) درباره معرفت خداوند سؤال شد، حضرت فرمود: *«مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»*<sup>۲</sup> شناخت اهل تمام زمانها امامشان را که اطاعت او بر آنها واجب است.»

#### ۴. امام باقر (ع)

از امام باقر (ع) سؤال شد: *«هَلْ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ مِنْكُمْ وَاجِبَةٌ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ؟»* آیا شناخت امام از شما، بر همه مردم واجب است؟<sup>۳</sup> فرمود: «خدای تبارک و تعالی حضرت محمد (ص) را به پیامبری به سوی همه جهانیان برانگیخت. هر کس به خدا و محمد (ص) ایمان بیاورد و او را پیامبر خدا بداند و از او پیروی کند، بر او واجب است که امامی از ما بشناسد. *«فَأَنَّ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ مِنَّا وَاجِبَةٌ عَلَيْهِ ...»*

→ احقاق الحق، قاضی نورالله مرعشی شوشتری، تهران، کتابفروشی اسلامی، ج ۱۳، ص ۸۶  
منتخب میزان الحکمه، محمدی ری شهری، سید محمد حمید حسینی، قم، دار الحدیث، چاپ دوم، ۱۳۸۲

(نامبرده از بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۰، ح ۳ و ج ۲۳، ص ۸۳، ح ۲۲، نقل کرده است)؛ حیوة القلوب، محمد باقر مجلسی، تحقیق سید علی امامیان، قم، انتشارات سرور، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش، ج ۵، ص ۷۹.

۱. روزگار رهایی، کامل سلیمان، ترجمه علی اکبر مهدی پور، نشر آفاق، چاپ سوم، ۱۳۷۶، ص ۸۱ و شبیه آن: بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۰؛ اختصاص مفید، ص ۲۶۸؛ منتخب الاثر، ص ۴۹۲.

#### ۲. روزگار رهایی، ص ۸۵

۳. منتخب میزان الحکمه، ص ۳۳، ح ۳۶۵

نامبرده از بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۵۱، ح ۱۰۱

نقل کرده است؛ روزگار رهایی، ج ۱، ص ۹۰، ح ۵۷؛ رک: اصول کافی، محمد بن یعقوب،

ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، انتشارات

علمیه، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۳.

و همچنین به سند معتبر در محاسن نقل شده که حضرت باقر(ع) فرمود: «هر کس بمیرد و امام نداشته باشد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است. و مردم [در پیشگاه الهی] معذور نیستند، مگر اینکه امام خود را شناسند. هر کس امام خود را شناسد و بمیرد، ضرر نمی‌کند...»<sup>۱</sup>

#### ۵. حضرت صادق(ع)

امام صادق(ع) در این باره بیانات مختلف و شیوایی دارد؛ گاه کلام پیامبر اکرم(ص) را تفسیر و تبیین کرده؛ چنان که در روایت صحیحی از آن حضرت سؤال شد که مراد از مُردن جاهلی در کلام پیامبر اکرم(ص) چیست؟ فرمود: «جَاهِلِيَّةٌ كُفْرٌ وَ نِفَاقٌ وَ ضَلَالٌ»<sup>۲</sup> جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی مراد است.

و در جای دیگر، در تبیین کلام پیامبر اکرم(ص) به بیان مصداق پرداخته و فرموده است: «پس شما را باد به اطاعت امام خود! به راستی دیدید اصحاب امیرمؤمنان(ع) را که از آن حضرت متابعت نکردند، سرانجام کارشان به کجا منتهی شد. و شما

کسی را که در نشناختن او معذور نمی‌باشید، پیروی کنید ...»<sup>۳</sup> و همچنین فرمود: «... بلی، اگر مردم متابعت علی بن الحسین (علیهما السلام) را می‌کردند [و امام زمان خود را می‌شناختند] و عبدالملک بن مروان را ترک می‌کردند، هدایت می‌یافتند.»<sup>۴</sup>

و در تعبیر دیگر، آن حضرت گام را فراتر نهاده، می‌فرماید: «مَنْ بَاتَ لَيْلَةً لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ هر کس شبی را به صبح آورد، در حالی که امام زمان خود را شناسد، به مرگ جاهلی مرده است.

#### ۶. موسی بن جعفر (علیهما السلام)

از آن حضرت به این صورت نقل شده است: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ حَقِّ يَعْرِفُهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ هر کس بمیرد و امام زنده‌ای را نشناسد، با مرگ جاهلی مرده است.

#### ۷. امام رضا(ع)

۳. محاسن برقی، ج ۱، ص ۲۵۱؛ حیوة القلوب،

ج ۵، ص ۷۹.

۴. حیوة القلوب، ج ۵، ص ۷۸۰؛ محاسن برقی،

ج ۱، ص ۲۵۲.

۵. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۹۵؛ غیبت نعمانی،

ص ۶۲؛ الزام الناصب، ص ۱۲۷.

۶. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۸۵؛ اختصار من مطبوع،

ص ۲۶۸.

۱. المحاسن، أحمد بن محمد برقی، قم،

تجميع العلمی لاهل البيت، اول، ۱۴۱۳، ج ۱،

ص ۲۵۴؛ ح: حیوة القلوب، ج ۵، ص ۸۰.

۲. بحر الانوار، ج ۱، ص ۳۶۲، ج ۳۹.

در «کمال الدین» به سند معتبر نقل شده که از حضرت رضا (ع) پرسیدند: هر کس بمیرد و امام خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است؟ فرمود: بلی، هر کس در امامت امام [زمان خویش] شک و توقف کند، کافر است و هر کس انکار یا اظهار عداوت کند، مشرک است؛ یعنی مانند بت پرست است.»

و در روایتی طولانی که آن حضرت در جواب مأمون نگاشته و امامان معصوم را معرفی کرده، می فرماید: «

مَنْ مَاتَ لَمْ يَفْرُقْهُمْ وَلَا يَتَوَلَّهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ  
وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً؛<sup>۱</sup>

کسی که بمیرد و آنها (امامان) را با نامشان و نام پدرانشان نشناسد و دوست ندارد، به مرگ جاهلی مرده است.»

در این روایت، مصداق امامان بیان شده و شناخت نام پدران آنها و محبت به آنها نیز لازم شمرده شده است.

آنچه بیان شد اهم منابع شیعه بود که روایت مذکور را با بیانه‌های مختلف بیان کرده‌اند و از آنها استفاده می‌شود که نه تنها شناخت امام هر زمان لازم

۱. کمال الدین، ص ۶۶۸؛ حیوة القلوب، ج ۵،

صص ۸۰ - ۸۱

۲. بحارالانوار، ج ۱، ص ۳۶۱، ادامه روایت ۲.



است، بلکه شناخت تمامی آنها با نام و نشان و مقاماتشان لازم است و حتی یک شب را با عدم شناخت امام سر کردن، باعث مرگ جاهلی می‌شود.

### ب. منابع اهل سنت

حدیث مذکور را برخی از علمای اهل سنت به همان صورت معروف، یعنی: *هَنْ مَاتَ وَكَمْ يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ* نقل کرده‌اند! البته برخی از آنها توجیه خنکی کرده‌اند که مراد از امام، قرآن است و حال آنکه این حرف اولاً خلاف ظاهر است و ثانیاً اضافه زمان به ضمیر (زمانه) ظاهر در این است که در هر زمانی امامی وجود دارد و قرآن مشترک بین همه زمانهاست.<sup>۱</sup>

و فخر رازی در جایی دیگر این گونه نقل کرده است که پیامبر اکرم (ص)

۱. ینابیع الموده، سلیمان قندوزی حنفی، دار الاسوه للطباعة و النشر، اول، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۵۴۶؛ ر. ک: تفسیر طبری، محمد بن جریر طبری، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ج ۸، ص ۱۱۶؛ تفسیر کشاف، جاز الله محمود زمخشری، قم، منشورات البلاغه، ج ۲، ص ۶۸۲؛ تفسیر فخر رازی، محمد بن عمر فخر رازی، قاهره، المطبعة البهية المصرية، ج ۲۱، ص ۱۷؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ص ۳۰۰، کلام ۱۲۲.
۲. حیوة القلوب، ج ۵، ص ۷۹.



# السَّلَامُ عَلَيَّ وَآلِئِيهِمُ الصَّلَاةُ تَقْبَلُ الشَّهِيدَ

فرمود: «مَنْ مَاتَ وَكَمْ يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَ إِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا»<sup>۱</sup>  
کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، پس باید به خواست خودش یا یهودی و یا نصرانی بمیرد [ولی مسلمان از دنیا نخواهد رفت].»

مات وَا لَا يَعْرِفُ إِمَامَةَ مَاتَ مِتَّةً جَاهِلِيَّةً نقل کرده‌اند.<sup>۲</sup>  
حال با توجه به این روایت که از طرق مختلف و بیانهای گوناگون در کتب شیعیان و اهل سنت نقل شده است، این سؤال رخ می‌نماید که آیا فاطمه زهرا(س) امام زمان خویش را شناخت و از دنیا رفت؟ و یا خدای ناکرده امام خویش را ناشناخته از این دنیا رفت؟ برای پاسخ به این پرسش سه راه داریم:

۱. احمد حنبل در مسند، ج ۴، ص ۹۶: «مَنْ مَاتَ بَعْدَ إِمَامِ مَاتَ مِتَّةً جَاهِلِيَّةً؛ کسی که بدون امام بمیرد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.» و همین طور حافظ هیثمی در مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۱۸ و ابو داود طیاسی در مسندش، ص ۲۵۹ نقل کرده‌اند.

۲. تفتازانی در شرح مقاصد، ج ۲، ص ۲۷۵، عقائد النسفی، وقاری در مرقاة، ج ۲، ص ۵۰۹، و صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۱، به این صورت نقل کرده‌اند: «مَنْ مَاتَ وَكَمْ يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِتَّةً جَاهِلِيَّةً.»

۳. ابوجعفر اسکافی در نقض کتاب العثمانیه، ص ۲۶، هیثمی در مجمع، ج ۵، ص ۲۲۴ و ۲۳۵ به صورت: «مَنْ مَاتَ وَكَمْ يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِتَّةً جَاهِلِيَّةً.»

۱. بگویم روایات پیش گفته، هیچ کدام اعتبار ندارند. در نتیجه، هیچ لزومی ندارد که فاطمه زهرا(س) امامی بعد از پیغمبر (ص) را شناخته باشد و با او بیعت کرده باشد. این راهی است نرفتنی؛ چرا که روایات مذکور از طریق شیعه و سنی نقل شده و در برخی صحاح نیز موجود است و امت نیز آن را تلقی به قبول کرده است.<sup>۳</sup> گذشته از این، لزوم

۱. مجموعه الرسائل، چاپ مصر، ۱۳۲۸.  
المسائل الخمسون، ص ۳۸۴.  
۲. مجموعه الرسائل، چاپ مصر، ۱۳۲۸.  
المسائل الخمسون، ص ۳۸۴.  
۳. خودداری کردیم.  
۴. الغدير، ج ۱، ص ۳۶۱.



# السَّلَامُ عَلَيَّ وَآلِئِيهِمُ الصَّلَاةُ بِقَبْلِ الشَّمْسِ

است. آنچه مورد بحث است این است که آیا اهل بیت شامل همسران پیغمبر هم می‌شود یا نه؟ که شیعه این را انکار می‌کند و برخی از مفسران اهل سنت ادعا دارند که اهل بیت، زنه‌ای آن حضرت را نیز شامل می‌شود.<sup>۳</sup>

حال باید دید فاطمه زهرا(س) با چه کسی بیعت کرده و چه فردی را به عنوان امام خویش شناخته بود؟ یقیناً حضرت زهرا (س) با ابابکر بیعت نکرد؛ چرا که تا آخرین لحظه با او حرف نزد و اگر او و علی (ع) و همراهان آن دو که در خانه علی (ع) تحصن کرده بودند، بیعت می‌کردند که در خانه زهرا (س) را آتش نمی‌زدند.

سلطان الواعظین شیرازی از صحیح مسلم، و صحیح بخاری، ج ۵، ص ۹ و ج ۷، ص ۸۷ و از محمد بن یوسف گنجی شافعی در باب ۹۹ کفایه نقل کرده که اینها نوشته‌اند: «فاطمه(س) در حال خشم و غضب ابی‌بکر را

شناخت امام و پایبندی به اطاعت از او فقط از طریق روایات پیشین ثابت نشده، بلکه دلائل و براهین عقلی و نقلی فراوانی داریم که در جای خود مطرح شده است.<sup>۱</sup>

۲. راه دوم این است که - العیاذ بالله - بگوئیم صدیقه طاهره یک ضروری از ضروریات دین پدر را زیر پا گذاشته و از پذیرش امام و شناخت او سرباز زده و بر خلاف گفته پدر خویش قدم برداشته است. این راه نیز به هیچ وجه رفتنی و پذیرفتنی نیست که پاره تن رسول خدا (ص) و همسر وصی مصطفی ضرورتی از ضروریات دین پدر خویش را انکار کرده باشد. این را نه عقل می‌پذیرد، و نه عصمت کبرای او این اجازه را می‌دهد؛ چرا که آیه تطهیر به اتفاق همه، از سنی و شیعه، شمولش نسبت به فاطمه زهرا (س) حتمی

۱. ر. ک: ولایت و امامت، مهدی نجفی؛ امامت و رهبری، مرتضی مطهری و ...  
۲. الغدیر، ج ۱۰، ص ۳۶۱.

۳. الکشاف، محمد زمخشری، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۵۳۸.





ترک کرد و بر او غضبناک ماند و با او حرف نزد تا وفات کرد و علی (ع) شبانه بر او نماز گذارد و دفنش کرد و ابی بکر را خبر نداد که بر جنازه او حاضر شود و نماز گذارد.<sup>۱</sup>

و همین طور عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری در ص ۱۴ کتاب «الامامة و السياسة»، نقل کرده که

فاطمه زهرا(س) از بستر بیماری خطاب به ابی بکر و عمر فرمود:

إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ أَنْكُمْ أَسْخَطْتُمَنِي وَ مَا أَرْضَيْتُمَنِي وَلَسْتُ نَقِيْتُ النَّبِيِّ (ص) لَأَشْكُوَنَّكُمْ؛ خدا و ملائکه را شاهد و گواه می گیرم که شما دو نفر (ابوبکر و عمر) مرا به غضب آوردید و رضایت مرا جلب نکردید. اگر پیغمبر را ملاقات کنم، از دست شما دو نفر شکایت می کنم.<sup>۲</sup>

در منابع روایی شیعه می خوانیم که حضرت فاطمه(س) به آن دو فرمود: «سوگند به خدا! بعد از این با شما دو نفر حتی یک کلمه نیز سخن نمی گویم تا به ملاقات

۱. شبهای پیشاور، سلطان الواعظین شیرازی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سی و هفتم، ۱۳۷۶، ص ۷۰۰.  
۲. همان، ص ۷۰۰.





بیت رسول خدا (ص) ظاهر کردید؟»  
 و فرمود: «وَاللَّهِ لَا أَكَلُمُكُمْ عَمَرَ حَتَّى أَلْقَى  
 اللَّهَ»<sup>۱</sup> و سوگند به خدا تا زنده‌ام با  
 عمر سخن نخواهم گفت.»

**امام شناسی حضرت زهرا (س)**

۱. فرهنگ سخنان فاطمه (س)، محمد دشتی، انتشارات مشهور، قم، اول، ۱۳۸۰، ص ۲۱۱، ج ۱۷۶؛ غلل الشراعی، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۸۵.
۲. الغدیر، ج ۷، ص ۲۳۰، اعیان الشیعه، ص ۳۱۸؛ فرهنگ سخنان فاطمه (علیها السلام) ص ۲۱۱.
۳. فرهنگ سخنان فاطمه (س)، ص ۲۱۲؛ الغدیر، ج ۷، ص ۷۷؛ بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۳۲۲، ج ۳۳۹.

خدا بشتابم و شکایت شما دو نفر را به نزد خدا می‌برم و توضیح خواهم داد که شما با من چه کردید و چه اعمالی را مرتکب شدید.»<sup>۱</sup>

و در خصوص ابوبکر فرمود: «وَاللَّهِ لَا أَكَلُمُكُمْ أَبَدًا وَ اللَّهُ لِلذُّعُونِ اللَّهُ عَلَيْكَ فَمِ كُلِّ صَلَوَةٍ؟ سوگند به خدا! از این پس هرگز با تو سخن نخواهم گفت. سوگند به خدا! [شکایت تو را به خداوند خواهم کرد و] در هر نماز تو را نفرین خواهم کرد.»

و فرمود «ای ابوبکر! چه زود کینه‌های پنهانی خود را علیه اهل

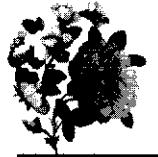
در ادامه بحث باید به سراغ خود فاطمه زهرا(س) و کلمات او رفت که او امام خود را چه کسی می‌داند و شناخت او درباره امامش چگونه است؟

### ۱. هنگام ولادت، شهادت به امامت علی(ع)

زهرا(س) که پاره تن رسول خدا(ص) و صدیقه مطهره است، نمی‌تواند نسبت به مسائل مهم اعتقادی خویش بی‌خبر و بی‌تفاوت باشد. او لحظه‌ای که پا به این عرصه خاکی گذاشت، لب به سخن گشود و فرمود: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ النَّبِيِّاءِ وَأَنَّ بَعْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَوَلَدِي سَادَةُ الْأَسْبَاطِ؛**<sup>۱</sup> شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا نیست و به راستی پدرم رسول خدا، بزرگ پیامبران، و شوهرم بزرگ اوصیاء است و فرزندانم سادات و بزرگان امت هستند.<sup>۱</sup>

### ۲. نام علی(ع) در صحیفه فاطمه(س)

جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که خدمت زهرا(س) رسیدم و صحیفه نورانی سفید و روشنی را در دستن مبارک آن حضرت مشاهده کردم.



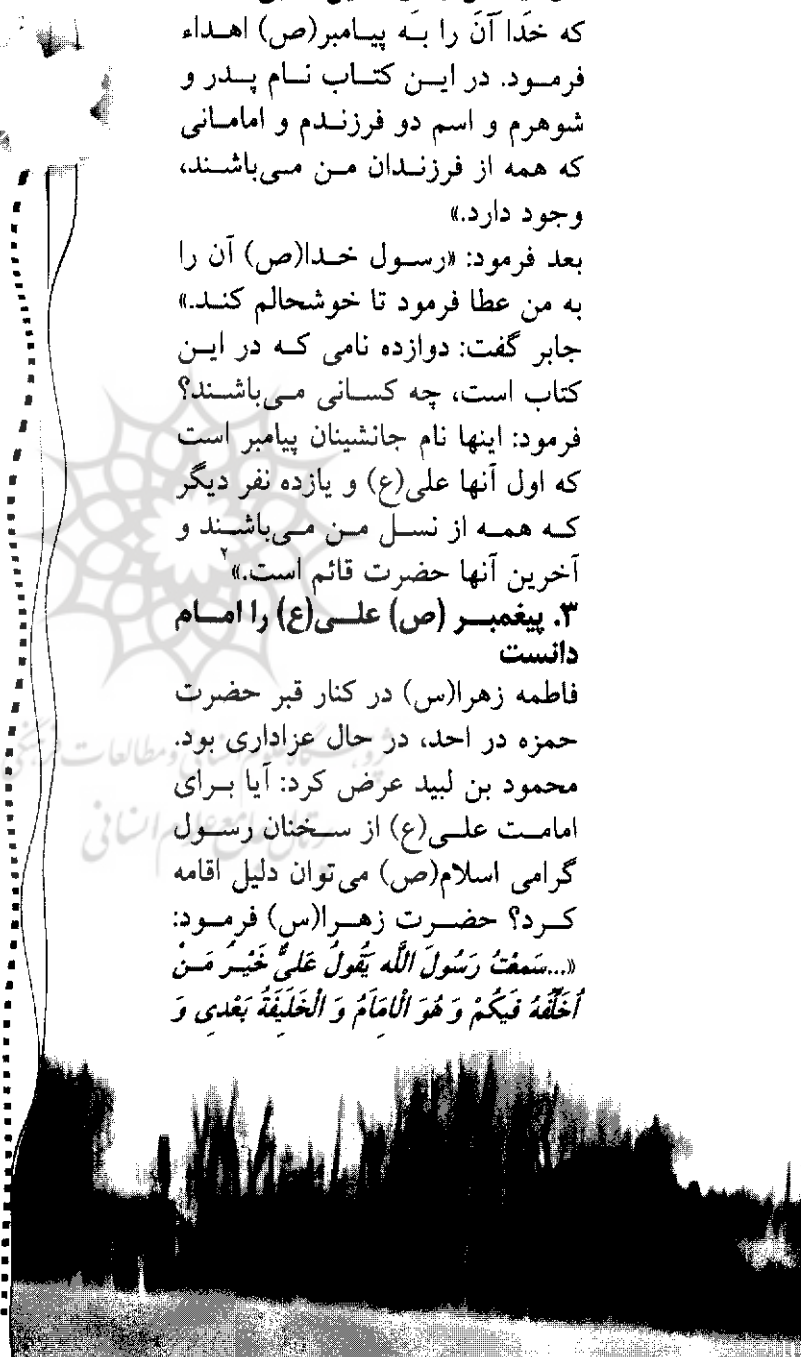
پرسیدم: این چه کتابی است؟ فرمود:  
 «هَذَا كِتَابٌ أَهْدَاهُ اللَّهُ إِلَيَّ رَسُولَهُ (ص) فِيهِ  
 اسْمُ أَبِي وَاسْمُ بَطْنِي وَاسْمُ أُمَّتِي وَاسْمَاءُ  
 الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِي...» این کتابی است  
 که خدا آن را به پیامبر (ص) اهداء  
 فرمود. در این کتاب نام پدر و  
 شوهرم و اسم دو فرزندم و امامانی  
 که همه از فرزندان من می‌باشند،  
 وجود دارد.»

بعد فرمود: «رسول خدا (ص) آن را  
 به من عطا فرمود تا خوشحالم کند.»  
 جابر گفت: دوازده نامی که در این  
 کتاب است، چه کسانی می‌باشند؟  
 فرمود: اینها نام جانشینان پیامبر است  
 که اول آنها علی (ع) و یازده نفر دیگر  
 که همه از نسل من می‌باشند و  
 آخرین آنها حضرت قائم است.»<sup>۲</sup>

### ۳. پیغمبر (ص) علی (ع) را امام دانست

فاطمه زهرا (س) در کنار قبر حضرت  
 حمزه در احد، در حال عزاداری بود.  
 محمود بن لبید عرض کرد: آیا برای  
 امامت علی (ع) از سخنان رسول  
 گرامی اسلام (ص) می‌توان دلیل اقامه  
 کرد؟ حضرت زهرا (س) فرمود:  
 «...سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ عَلِيٌّ خَيْرٌ مَنِ  
 أَخْلَقَهُ فَيُكْتَمُ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدِي وَ

۲. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۹۴؛ فرهنگ سخنان  
 فاطمه (س)، ص ۱۷۵؛ کمال الدین، شیخ  
 صدوق، ص ۱۷۸؛ عیون اخبار الرضا، ص ۲۵.





سِبْطَائِي وَ تَسْعَةَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ (ع)  
 اَمَّةٌ اَبْرَارٌ...؛ شنیدم که رسول  
 خدا(ص) فرمود: علی بهترین کسی  
 است که او را جانشین خود در میان  
 شما قرار می‌دهم و او امام و خلیفه  
 بعد از من است و دو فرزندم (حسن  
 و حسین) و نه نفر از فرزندان  
 حسین (ع) امامانی نیک‌اند.<sup>۱</sup>

#### ۴. علی (ع)، امام ربانی

حضرت فاطمه (س) در برابر یکی از  
 افراد نادان مدینه که خفاش صفت در  
 برابر آفتاب وجود امام، زبان به  
 سرزنش گشوده بود، فرمود: «رَهْوُ  
 الْاِمَامِ الرَّبَّانِيِّ وَ التَّهَكُّلُ التُّورَانِيِّ قُطْبُ  
 الْاَقْطَابِ وَ سَلَالَةُ الْاَطْيَابِ الْاَنْطَاقِ  
 بِالصُّوَابِ نُقْطَةُ دَائِرَةِ الْاِمَامَةِ وَ اَبْرَئِيَّةُ  
 الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ...»<sup>۲</sup> علی امامی ربانی  
 و هیكلی نورانی و مرکز توجه همه  
 عارفان و خداپرستان و فرزندی از  
 خاندان پاکان، گوینده به حق و  
 صواب، نقطه محور امامت و پدر  
 حسن و حسین ... است.<sup>۳</sup>

#### ۵. غصه غضب خلافت

حضرت زهرا(س) نه تنها امامت  
 علی(ع) را شناخت و آن را ابراز

کرد، بلکه در اوج غصه‌های خود که  
 رحلت پیامبر اکرم(ص) بود، غصه  
 اصلی‌اش این بود که خلافت  
 علی(ع) غضب شده است.

ام سلمه می‌گوید: خدمت حضرت  
 زهرا(س) رسیدم و پرسیدم: ای  
 دختر رسول خدا! شب را چگونه  
 صبح کردی؟ حالت چگونه است؟  
 فرمود: «صَبَحْتُ بَيْنَ كَمَدٍ وَ كَرْبٍ فَقَدْ  
 التَّبِيُّ وَ ظَلَمَ الْوَصِيَّ فَتَكَ وَ اللَّهُ حَجَابُهُ...»<sup>۴</sup>  
 صبح کردم در میان حزن شدید و  
 اندوه عظیم، در حالی که پیامبر از  
 دست رفته، و وصی او مظلوم واقع  
 شده و سوگند به خدا! پرده [حشمت  
 و عظمت] او دریده و نابود شده  
 است...»<sup>۵</sup>

#### ۶. غاصبان خلافت بر من نماز نخوانند

حضرت در تداوم مبارزه منفی و  
 حمایت از امامت امام خویش در  
 کاغذی نوشت که: «لَا تُصَلِّي عَلَيَّ اُمَّةٌ  
 تَقَضَّتْ عَهْدَ اللَّهِ وَ عَهْدَ اَبِي رَسُولِ اللَّهِ  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ فِي امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ  
 عَلِيٍّ (ع)...»<sup>۶</sup> امتی که عهد و پیمان

۳. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۵؛ فرهنگ سخنان  
 فاطمه(س)، ص ۱۴۷ مناقب ابن شهر آشوب،  
 ج ۲، ص ۲۰۵.

۴. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۴؛ فرهنگ سخنان  
 فاطمه(س)، ص ۲۱۳؛ هلال الشرايع، ج ۱، ص  
 ۱۷۶.

۱. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳، ح ۲۲۴؛

فرهنگ سخنان فاطمه(س)، ۲۳.

۲. فرهنگ سخنان فاطمه(س)، ص ۲۷، ح ۲۰؛

ریاحین الشریعه، محلاتی، ج ۱، ص ۹۳.

خدا و پیامبرش (ص) را در [ولایت و رهبری] امیرمؤمنان، علی(ع) شکستند، حق ندارند بر من نماز بگذارند.»

#### ۷. دفاع از امام تا پای جان

فاطمه (س) امام خویش را شناخت و هم با گفتار خویش از او حمایت کرد و هم تا پای جان در مقابل دشمنان امام ایستاد و سرانجام جان خویش را فدا کرد و شهید راه امامت گشت. آن حضرت در لحظه غمباری که علی(ع) را با زور به طرف مسجد می‌بردند، فریاد کشید: «وَاللَّهِ لَا أَدْعَاكُمْ تَجْرُونَ إِيَّاهُ عَمَى ظُلْمًا...»؛ به خدا سوگندا نمی‌گذارم پسرعمویم را ظالمانه بکشانید.»

از آنچه بیان داشتیم، به خوبی به دست آمد که فاطمه (س) از آغاز امام خویش امیرمؤمنان علی(ع) را شناخت و در موارد مختلف از امامت او تبلیغ کرد و با غاصبان خلافت او درگیر شد و تا پای جان از مقام امامت علی(ع) دفاع کرد.

اگر این نتیجه را با آنچه در بخش اول بیان گشت، همراه کنیم که «هر کس امام خویش را شناخت، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است»،

نتیجه گرانسنگی به دست می‌آید که می‌تواند تاریخ اسلام را عوض کند و باید کسانی که چنین امامی را شناختند، به تاریخ اسلام و بشریت جواب دهند و از چنین انحرافی در پیشگاه الهی عذر تقصیر بیاورند.

آن روز تمام آسمان نیلی بود  
بر دوش علی بیعت تحمیلی بود  
وقتی ثمر باغ فدک قسمت شد  
ای وای که سهم فاطمه سیلی بود



۱. ترجمه تکستان، فاطمه (س)، ص ۱۹۶ و ۱۹۷  
۲. در بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۴۷، ح ۴۶.